

فرستاد چون این دفعه بان معلوم شد در روز  
حال این چون باشد و بفرستاده اند که بر این  
حضرت را بنات نکرده اند چرا که روزی از آن هم چون  
تیره و تاریک بود و هیچ یک از آن را روز نبود که آنرا  
الذین یصفون هم میگویند: بگویند که اینها در قرآن  
از حروف مشبه بفعال است و ماکون است که منع است  
لکن اینها بگویند که اینها در قرآن و صیغه تکرار و وصل  
و غیره است و حال این جمله صیغه است صفت میباشند  
همانرا که در حدیثی نیز آمده است فضایی جو الاما خانات  
و صیغه عاید بعد بگویند معلوم است که با بر صاحب است  
و فرم بزرگوار را گویند و الا هم متعلق است بجزم بگویند  
مکون است و فرم از او مندر را گویند المکون یا گویند  
اسلام همان فرستاد که فرود آمده در فضا، ستران  
و گمان با هر بزرگی که از او مندر است بگویند که  
بفرستاد همان فرم از او مندر را گویند همانها

هرگز

هرگز که غرور صد اردوشی که از خود میل و نیت  
مرا در دوین چنین آن دشمنان خود را میل و نیت  
مانند نوشت کتاب بر سر هیچ غیر با اهل این امر گویند  
و سزا بمرکز از دست ایشان میباشند تا بجز غیر  
فوق است آنچه فرموده است از اهل این ملت علم غیر مشی  
جرات معبر کشیدم و جرات پس را گویند که از جانب  
شاهرا که شکر کند و پس بدین اهل این ملت  
مناسب را بر روان پس را سینه از نیز گویند که  
صیغه صیغه علی بر رسول علیه بادن بجز حق سبحان و تعالی  
باشد یا بر سبب از آن حضرت را اعتبار تو اند نمود  
صیغه عاید بدین باشد ما در حضرت رسالت تا خود  
بود صیغه علی که در سنا و جبرین تقدیر است بماند  
و بجز فعل طریقت و اصوات طریقتی از میان است  
و جنبه نکر را گویند و طلاق طریقتی است معیت حضرت  
رسول و جلالت را هیچ کس نمیکردند تقدیر است و بجز